اقتراح جدید انقلاب یا تکامل؟ از مباحث اجتماعی

افشار، ایرج

در پذیرفتن یا عدم قبول تمدن جدید و اصلاحات اجتماعی میان‏ هموطنانا ختلاف عقیده است:بعضی میگویند باید بهمان طرز زندگانی‏ معمولیب قرون وسطی ساخت و سعادت خود و جامعه را در آن میدانند، برخی دیگر معتقدند که باید وضع زندگانی ایرانی را عوض کرد.مناظره‏ این دو فکر و مباحثه این دو گروه جداگانه موضوعیست،ولی مجله‏ آینده که خود را از نخستین روز طرفدار و مبلغ قسم دوم معرفی کرده‏ است وارد این بحث شدن را مخالف مسلک اجتماعی خود میداند.اما در نوع‏ دوم نیز،از لحاظ قبول تمدن و اجرای اصلاحات اجتماعی بین پیروان‏ عقیده تفاوت نظر است،که آنرا باختلاف مسلک تعبیر مینمایند.گروهی‏ معتقدند که اصلاحات را باید بطور خیلی سریع،«برقی»و انقلابی‏ (Re?volution) انجام داد،دسته دیگر بمشی تکاملیب و پیشرفت تدریجی‏ (Evolution) عقیده دارند.چون مورد حقیقة قابل بحث است نویسندگان‏ محترم را به مداقه در آن دعوت میکنیم.

در خاتمه باید این نکته را نیز یادآور شویم که مقصود از انقلاب‏ معنای مصطلح آن که شلوقی و خونریزی و هرج‏ومرج باشد نیست،بلکه‏ مفهوم واقعی و علمی آن منظور است،چنانکه وقتی یکی از علماء در یکی از علوم مثل طب کشف مهمی کند که باعث تغییرات عمده گردد گویند در آن علم«انقلاب»کرده است.

برای توضیح مختصری وارد در شرح مطلب میشویم.

ترقیات مملکت انگلیس غالبا بنحو تدریجی و تکاملی و تغییرات‏ اجتماعی رویه اغلب بطریق انقلابی بوده است،خواه اصلاحاتی را که‏ امپراطور روسیه پطر کبیر در دویست سال قبل نمود یا تغییراتی را که بلشویکها در ده سال پیش دادند.از همین‏جا معلوم میشود که«انقلاب» را هم ممکن است یک پادشاه مستبد بنماید و هم یک حزب سیاسی.گاهی‏ هم ممکن است در نتیجه استبداد روحانیون یا سلاطین ملت طغیان‏ کرده بتغییرات عمده سیاسی و اجتماعی مبادرت ورزد،مانند انقلاب کبیر فرانسه،گرچه ر اینجا نیز حقیقت این است که اقلیتی از ملت انقلاب‏ نمود.در مملکت عثمانی اخیرا حکومت جمهوری تغییرات عمده اجتماعی‏ داده است،ولی البتهء آنرا نمیتوان انقلاب ملی نامید و معلوم نیست تا چه اندازه متناسب با اوضاع و احوال آن مملکت بوده است.

برای اینکه درست روشن شود مورد اقتراح بحث درچگونه مسائل‏ است و نویسندگان محترم خارج از موضوع اجتماعی و وارد در قضایای‏ سیاسی نشوند یکی از مثالهای فوق را اندکی تشریح میکنیم.

\*\*\*

تغییرات اجتماعی‏ روسیه‏ زمان پطر کبیر

تا زمان پطر کبیر روسیه از ممالک نیمه وحشی‏ محسوب بود.شرح افتضاح‏آمیز و عربده و بد مستی سفرای روس را در دربار صفوی بنحوی‏ که«شاردن»معروف فرانسوی در کتاب‏ مسافرتهای خود در ایران نگاشته کاملا بر این معنی دلالت دارد.مانند ایران روسیه نیز سالها تحت تسلط وحشیانه تاتارهای زرد پوست که از همان نژاد وحشی ترک و تورانی باشند افتاده بود و بهمین واسطه اروپائیان‏ این قطعه از اروپا را مملکت«نیمه آسیائی»میخواندند.مانند آسیائیان‏ روسها لباس بلند میپوشیدند،به رؤسای خود تعظیم میکردند و زنهای آنها در حجاب بودند...گویند روزی که بزرگان نزد پطر آمده و بخاک افتادند آنانرا از زمین بلند کرد،ریشهای دراز آنانرا مقراض نمود.در یک‏ مهمانیکه مدعوین آستینهای بلند داشتند.